

## پیام نوین

شماره ۷ (۹۱ مسلسل) دوره هشتم دی ماه ۱۳۴۵

## نکته‌ای چند در باره شعر

چند شب پیش بمناسبت یکم و دومین سال تولد و پنجاهمین سال درگذشت ایوان فرانکو - شاعر و نویسنده بزرگ مردم اوکرائین - مجلس یادبودی در انجمن برگزار گردید. سخنران این مجلس - شاعر خوش سخن ۵۰ ساله - ضمن گفتار خویش نکته‌ای چند درباره شعر امروز و هنگامه‌ای که اخیراً در این زمینه برپاست در بیان آورد. گرچه این نکته‌ها گسترشی که درخور چنین موضوعی است به خود نگرفته، به علت آن که نمودار عقیده یکی از برجسته ترین نمایندگان شعر معاصر فارسی است و میتواند بهانه‌ای برای بررسی دقیق‌تر و جامع‌تری بنده، قسمت هائی از آن را در اینجا از نظر خوانندگان گرامی میگذرانیم.

پیام نوین

رتال جامع علوم انسانی

... سالهای دراز نیمه یک‌تنه پرچمدار شعر زنده ایران بود و از بیست و پنج سال پیش جوانانی به این راهگشای فرزانه، که خود رهتوردی چالاک نیز بود، گرویدند و یکباره فتنه شعر نو بالا گرفت. در آن سال‌ها شعر حرمتی داشت. گروهی از شاعران عقیده داشتند شعر سلاحی است که باید در راه بهروزی انسان بکار برده شود ... شعر

با هدف بوجود آمدن و کم کم جای شایسته خود را باز کرد.

امروز هم ، گاهگاه ، شنیده میشود که «شعر سلاحی است !» ولی این سلاح چگونه چیزی است ؟ در دست کیست ؟ و به روی کدام دشمن بلند میشود ؟

... امروز ، به مقتضای حال و روز و زمانه ، برخی از شاعران و انتقاد کنندگان ، که خود را ستایشگر و مرید نیما میدانند و مدعی اند که همه فوت و فن کار استاد را درباخته و فضای شعر او را کشف کرده اند ، چه در نمونه مائی که ارائه میدهند و چه در داوری های فضل فروشانه ای که بصورت وحی منزل اعلام میدارند ، دست به انکار و ریشخند شعر اجتماعی زده اند .

آنها چنین نظر میدهند : آثاری که بمناسبت وقایع روز بوجود آمده نمیتواند جاودانه باشد . با فرونشستن موج حادثه ، این آثار هم میمیرند و فراموش میشوند .

اگر منظور آثاری است که در آن به شرح و گزارش خشک و خالی يك حادثه اکتفا شده و هیچ رنگ و بویی از تجربه و معرفت هنرمند ندارد ، این داروی کاملآ درست است . اما آنها این را نمیخواهند بگویند . خودشان چنین توضیح میدهند : « هر شعری که وسیله ای برای بیان احساسات ایده تلوژیک و حاصل يك جنبش اجتماعی است ... شعر روز است و شعر روز شعر همیشه نیست . از شعر روز ، از آن نظر که احساساتی و قراردادی است و همه فهم ، هرگز توقع برجای ماندن و جاودانگی نمیتوان داشت . »

... آنان طبیعی ترین حالات انسانی را انکار میکنند . عشق و ایمان و وفاداری و حتی از پا افتادن آدمی را به ریشخند میگیرند .

منم اینک مردی زخم به تن  
آرزو های بلندش همه گردیده هوار  
نه فرو مانده به گل  
نه برافراخته قد

گر تکاپوست به بیرون شدن از گنداب است  
نه به آفروختن مشعل خورشید به شب  
این مرا دردی پیچاننده است

و تو میخندی برتابم و میلرزاند گریه مرا  
نیما ، بنیان گذار شعر امروز فارسی ، نه تنها در شکل و شیوه

دید و طرز برداشت شعر راه های تازه ای باز کرد ، بلکه بار دیگر شعر را با زندگی پیوند داد . تاکنون کم و بیش بررسی هایی درباره شکل و وزن و برداشت شعر نیما صورت گرفته ، اما متأسفانه کمتر به موضوع جهت شعر او توجه شده است .

من چهره ام گرفته

من قایم نشسته به خشکی

با قایم نشسته به خشکی

فریاد میزنم ...

امدادی ای رفیقان بامن

فریاد من شکسته اگر در گلو و گر

فریاد من رسا

من از برای راه خلاص خود و شما

فریاد میزنم .

فریاد میزنم .

افسوس ! این فریاد دردمند انسانی در میان زمزمه های یاس آلود

فلسوفانه و هیاهوی میان تهی خود بینان خاموش شده است ...



شوروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی